

آسیب شناسی فرهنگ دینی عشایر در عصر جهانی شدن و راهکار های تعامل

پویا با آن

یعقوب رحیمی پردنجانی

دانش آموخته دکتری رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه شیراز

چکیده

پژوهش حاضر قصد شناسایی آسیب های فرهنگ دینی عشایر در عصر جهانی شدن را دارد. سپس راهکار های تعامل پویا با آن را معرفی می کند. رویکرد حاکم در این پژوهش کیفی از نوع تحلیل اسنادی و نحوه گردآوری داده ها روش پژوهش توصیفی است؛ زیرا در پی توصیف پدیده جهانی شدن و شناخت شرایط موجود است و از سوی دیگر در پی استخراج مفاهیم و کشف خطوط اصلی اندیشه صاحب نظران در زمینه ارائه راهکار های مقابله با جهانی شدن در حوزه فرهنگ دینی در بین عشایر است. عمده ترین یافته های پژوهش عبارتند از اینکه جهانی شدن به عنوان معنای همجواری جهانی مکانی فزاینده تعریف می شود که آن را «نابودی مکان توسط زمان» می خوانند. جهانی شدن چه به عنوان پروسه و چه به عنوان پروژه دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. این ابعاد را از منظر فکری و نظری می توان در دو حوزه کلی با عنوان «بعد ایدئولوژیک و بعد «تکنولوژیک» طبقه بندی کرد. اسلام و تعالیم دینی با رویه تکنولوژیک جهانی شدن بیشتر می تواند تعامل و سازگاری داشته باشد، اما در بعد ایدئولوژیک تعارض اسلام و جهانی شدن بیشتر از درجه انطباق و سازگاری با آن می باشد. حوزه فرهنگ دینی در عصر جهانی شدن دچار چالش شده است؛ از عوامل تشدیدکننده و آسیب رسان به ارزش های دینی عشایر، می توان مهاجرت، فقر، تجدد خواهی و آسیب های گرایش به روشنفکری و غرب زدگی در جوانان و ورود گردشگر به مناطق عشایری را نام برد. در پایان سه پیشنهاد محوری، ارائه خدمات فرهنگی و آموزشی، توسعه زیر ساخت ها و ارائه استلزامات نه گانه نظریه تعلیم و تربیت فضا مند جهانی در آموزش و پرورش به عنوان راهکارهای پویای حل مشکل معرفی شدند.

کلید واژه ها: عشایر، جهانی شدن، آسیب شناسی، ارزش های دینی، فرهنگ.

مقدمه

جهانی شدن به عنوان پدیده گسترده، تاثیرات متفاوتی بر زندگی مردم به جای می گذارد؛ به طوری که این تاثیرات نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح محلی نیز به خوبی مشاهده می شود. جهانی شدن به عنوان پدیده فراگیر و تاثیرگذار، تمام ساختارهای سنتی را با چالش مواجهه ساخته است چرا که این پدیده خارج از کنترل و اراده انسان مسیر خود را طی می کند (کریمیان، ۱۳۹۳). پژوهشگران در بررسی جهانی شدن و هویت جمعی به این نتیجه دست یافته‌اند که جهانی شدن می‌تواند بر هویت جمعی، ساخت اجتماعی و نظام اجتماعی جامعه تاثیر بگذارد و تغییراتی در آنها بوجود بیاورد و باعث سوق دادن افراد به سمت هویت فردی شود (ازکیا و احمدیرش، ۱۳۹۱). از آنجایی که مولفه‌های فرهنگی جهانی شدن نیز به گونه‌ای در خدمت سرمایه‌داری و ایجاد هژمونی برای آن است و القاگر این تصور است که جهانی شدن، فرایند یا پروسه‌ای واقعی و اجتناب‌ناپذیری است و با تعاریفی چون جدایی دین از سیاست و سکولاریسم، تاکید بر حقوق بشر و تساهل و تسامح قصد توسعه‌طلبی اقتصادی و نظامی و فرهنگی در دیگر کشورها توسط غرب در آن مستمر می‌باشد (افروغ، ۱۳۸۷: ۲۲). لذا رشد شتاب آلود تعاملات فرا ملی باعث شده پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، علاوه بر عوامل ملی و محلی، تحت تاثیر مناسبات جهانی نیز قرار بگیرند. به همین خاطر پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی دین به عنوان یکی از مولفه‌های فرهنگی به طور روز افزونی به مطالعات فرهنگ دین در مناسبات جهانی علاقه‌مند شده‌اند (ووسنو و اوفت ۱، ۲۰۰۸). از مهمترین دغدغه‌های جهانی شدن تاثیر آن بر فرهنگ مردم عشاير است. فرهنگی که با مغفول ماندن و اجرای کمتر برنامه و فعالیت‌های سازنده و ترمیمی دستخوش تغییرات قابل توجهی شده و بیم آن می‌رود که عوامل منفی جهانی شدن بر تمام ابعاد فرهنگ این جامعه سایه بيفکند. زیر بنای حفظ ساختار فرهنگ دینی عشاير نیازمند توجه بیشتر و رفع محرومیت با رعایت ابعاد اخلاقی می‌باشد که از طریق شناخت آسیب‌ها و فرصت‌های فرهنگی دینی در این مناطق میسر می‌شود (عباسی سروک، ۱۳۸۷).

فرهنگ دینی مجموعه باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و دانش مذهبی و اخلاقی است که به اشکال مختلف در رفتارهای اختیار (فردی) و اجتماعی افراد متجلی می‌شود. این فرهنگ، بینش، نیت و کنش‌های مذهبی افراد را در بر می‌گیرد. به طور کلی فرهنگ دینی به سه سطح بینش مذهبی، گرایش و منش مذهبی و کنش مذهبی دسته بندی می‌شود. بینش مذهبی شامل معرفت و باور و عقاید افراد جامعه نسبت به هستی و خداوند و انسان و موجودات را شامل می‌شود و به طور کلی موبد مطلوبیت‌ها و درست و نادرست است. در سطح دوم گرایش و منش مذهبی وجود دارد که به معنای برخورداری از روحیه و احساس توانمندی برای عمل و فعالیت مذهبی در جامعه توجه دارد و در واقع آمادگی برای کنش مذهبی و ارزشی را نشان می‌دهد. در این مرحله آمادگی و عدم آمادگی برای ایفای نقش و عمل مذهبی وجود دارد. در سطح سوم کنش مذهبی همان رفتارها و اعمال واقعی در جامعه است که تجلی خارجی دارند و قابل مشاهده هستند. معمولاً افراد جامعه بر حسب وظیفه این رفتارها را انجام می‌دهند برای مثال نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند و عزاداری می‌کنند و یا صدقه می‌دهند. سایر مناسک مذهبی در کنش‌های مذهبی قرار دارند که نتیجه شکل‌گیری یک بینش و گرایش مذهبی هستند که برای افراد حاصل شده اند (عنبری، ۱۳۸۷). به رغم گسترش ارتباطات و رخنه فرهنگ شهرنشینی به درون جامعه عشایری، آنان پاسدار سنن و ارزش‌های قومی و فرهنگی خویش هستند. اما حاکمیت و انتشار گسترده فناوری اطلاعات همچون اینترنت و تلاش همه جانبه برای انتقال مولفه‌های فرهنگی غرب در قالب

تاز جهانی شدن به معنای آمریکایی نمودن شاخصه‌های فرهنگی و استعداد ظرفیت‌های این فناوری‌ها برای تبلیغ ناهنجاری‌های اخلاقی، فرهنگ عشایر را در معرض هجوم قرار خواهد داد. چرا که هدف جهانی شدن تغییر همه ساختارهای سنتی و بومی جوامع و نظام‌های مختلف از جمله فرهنگ دینی است (عزتی، ۱۳۸۷).

جهانی شدن تغییرات چشمگیری در بسیاری از عرصه‌های حیات بشری از قبیل سیاست، امنیت، اقتصاد، فرهنگ، هویت، ارتباطات، فناوری اطلاعات و محیط زیست به وجود آورده است. لذا مفاهیم اجتماعی و سیاسی دگرگون گشته است. اگر جهانی شدن منجر به پیشرفت‌های فن آوری، بازده بیشتر، مصرف زیاده‌تر، سود بیشتر و گسترش شهرنشینی شده است. اما نابرابری، حاشیه نشینی، حذف شدن افراد از نظام جهانی، افزایش فقر و کم رنگ شدن فرهنگ‌ها به ویژه برای مردم مناطق کمتر توسعه یافته شده عشایری را به همراه داشته است. جهانی شدن یک الگوی فرهنگی عادت مصرف، اشکال تولید، سبک زندگی، ملاک‌های موقعیت اجتماعی، ایدئولوژی، اولویت‌های فرهنگی و حتی شکل سازماندهی نظام‌های اجتماعی را در همه مناطق تحت تاثیر قرار داده است (کریمی و همکاران ۱۳۹۸). به طور کلی جهانی شدن تمایل دارد یک همگنی جهانی را تشویق کند و یکی از مسائل بسیار مهم در این بین، تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ به ویژه فرهنگ دینی است. دین و مذهب در نهادهای فرهنگی و الگوهای مردم جامعه ایلی - عشیره‌ای عملکرد و نمود خاصی داشته است. مذهب در ایلات ایران آمیزه‌ای از برخی آموزه‌های اسلامی برآمده از تعالیم و مذاهب تشیع و تسنن است (بلوکباشی، ۱۳۸۲). توجه به آثار منفی جهانی شدن و تاثیر آن بر ارزش‌های دینی جوامع عشایری یکی از چالش‌های فرهنگی آنان است که از پشتوانه پژوهشی کافی برخوردار نیست. قدر مسلم آن است که در هر صورت عشایر با فرهنگ جهانی انطباق جامع ندارد بنابراین با برخی آسیب‌ها مواجه می‌شوند. آسیب‌شناسی فرهنگ دینی عشایر در صدد مطالعه، شناخت، پیشگیری، کجروی‌ها و جلوگیری از بازگشت مجدد بحران‌هایی است که با انتظارات منطقی از دین و جامعه دینی سازگاری ندارد (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۲۸). در این مجموعه، منظور ما از راه‌کارهای پیشنهادی، آن دسته از تدابیر روشی و اجرایی است که زمینه تحقق حفظ ارزش‌های دینی را در بین عشایر فراهم می‌سازد در این راستا با پنج سوال پژوهشی ذیل مطرح و مورد بررسی واقع می‌شود.

۱- جهانی شدن چیست و تاثیر آن بر فرهنگ چگونه است؟

۲- تاثیر ماهوی جهانی شدن در جامعه عشایری چگونه است؟

۳- وضعیت ارزش‌های دینی در عصر جهانی شدن چگونه است؟

۴- چالش‌های اجتماعی تشدید کننده و آسیب رسان به ارزش‌های دینی در حوزه عشایر کدامند؟

۵- راهکارهای پویای حل چالش‌های مذکور کدامند؟

مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر چندی از اسناد و مدارک مرتبط با پدیده جهانی شدن عشایر و ارزش‌های دینی مورد بررسی واقع شده است. از این رو روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده است. که در آن سعی می‌شود اسناد و مدارک موجود مرتبط با موضوع به منظور پاسخگویی به سوالات پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها روش پژوهش را می‌توان توصیفی نامید زیرا در پی توصیف و شناخت شرایط موجود است و از سوی دیگر در استخراج مفاهیم و کشف خطوط اصلی

اندیشه صاحب‌نظران در زمینه جهانی شدن و حوزه دین در بین عشایراست. جامعه مورد پژوهش شامل کلیه منابع و مراجع موجود مرتبط با موضوع مورد بررسی یا همان آسیب‌شناسی ارزش‌های دینی عشایر در عصر جهانی شدن می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

بررسی سوال اول پژوهش: جهانی شدن چیست و تاثیر آن بر فرهنگ چگونه است؟

جهانی شدن گرچه به معنای یگانه شدن جهان است اما یگانه شدن را نباید با دو مفهوم وحدت و ادغام اشتباه گرفت. رابرتسون چنین تصویری را با تاکید رد می‌کند. او جهانی شدن را یک فرایند کم و بیش مستقل معرفی می‌کند که «منطق» و جهت و نیروی محرک خود را دارد. جهانی شدن به عنوان یک فرایند است، یک چارچوب مفهومی نیز هست و با انگاره نظم یا سازمان جهان سروکار دارد. انگاره نظم جهان که حرکت‌های ضد نظم هم‌جزیی از آن به حساب می‌آیند. در معنای کلی به عنوان یک چارچوب مفهومی برای درک مسایل جاری جهان ماست (رابرتسون، ۲۰۱۳۸: ۱۳۸).

در مورد پیشینه تاریخی جهانی شدن سه احتمال یا فرضیه وجود دارد:

- ۱- جهانی شدن که ریشه در تاریخ حیات بشر دارد و بنابراین از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته است در این عصر شتاب بیش تری به خود گرفته است
- ۲- جهانی شدن همزمان با نوگرایی و توسعه سرمایه‌داری شکل گرفته است و اخیراً از شتاب ناگهانی و بیش‌تری برخوردار است
- ۳- جهانی شدن فرایندی است متاخر و همراه با سایر فرایندهای اجتماعی نظیر فراصفتی شدن و فرانوگرایی یا شالوده سرمایه‌داری است (سجادی ۱۳۸۳: ۹۷).

تعریف واحد از جهانی شدن وجود ندارد و همانند بسیاری از واژه‌ها و مفاهیم دال شناور و تهی است که به مدلول معینی ارجاع نمی‌دهد. سیالیت این مفهوم معضلات روشی و پژوهشی جدی را سبب می‌شود. برای رفع چنین مشکلاتی اغلب پژوهشگران سعی در شاخص‌سازی برای این قبیل مفاهیم دارند، تا از این رو تعاریفی که برای جهانی شدن مطرح می‌شود عمدتاً ویژگی‌ها، آثار و عوامل آن را مدنظر دارد و به اصطلاح منطقی، بیشتر تعریف به عوارض و ویژگی‌ها می‌باشد که از آن تعبیر به «رسم» می‌شود نکته‌ای دیگری که در مطالعه جهانی شدن اهمیت دارد. زاویه دید پژوهشگران به این مقوله است. از این تعاریف مختلف را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد

الف: تعریف جهانی شدن از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل

ب: تعریف جهانی شدن از منظر سیاست بین‌الملل

ج: تعریف جهانی شدن با عنایت به فرهنگ‌ها و تمدن بشری (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۵)

جدی گرفتن چند بعدی بودن جهانی شدن در واقع ممکن است کار بیش از حد شاقی باشد. مقیاس و پیچیدگی محض واقعیت تجربی ارتباط جهانی چیزی است که در برابر کوشش‌هایی که برای احاطه بر آن صورت می‌گیرد، مقاومت می‌کند. ولی بعد فرهنگی را باید خاص تر کرد. فرهنگ را می‌توان سطحی از زندگی دانست که در آن انسان‌ها به کمک راه و رسم‌هایی به بازنمایی نمادین و ساختن معنی می‌پردازند. اگرچه این تعریف تعمیمی خشک و بی‌روح به نظر می‌رسد، اما امکان برخی تمایزهای سودمند را برای ما فراهم می‌کند. به طور کلی وقتی در مورد اقتصاد صحبت می‌کنیم در مورد راه و رسم‌هایی سروکار داریم که انسان‌ها از طریق آن‌ها کالاهای مادی را تولید، مبادله و مصرف می‌کنند، وقتی در مورد سیاست بحث می‌کنیم منظور راه و رسم‌هایی است که قدرت در جوامع از طریق آن‌ها تمرکز می‌یابد، توزیع می‌گردد و به کار گرفته می‌شود، وقتی از فرهنگ سخن می‌گوییم منظور ما راه‌هایی است که در آن مردم، به طور فردی و جمعی، از طریق ارتباط با یکدیگر به زندگی خود معنا می‌بخشند (تاملینسون^۳، ۱۳۸۱: ۲۵). «فرهنگ» در مطالعات فرهنگی با دو گرایش متقاطع مهم متجلی شده است. مطالعات فرهنگی از یک سو بدین سبب فرهنگی است که توجه‌اش را به شیوه‌های بیان نمادین، متن، صنعت و گفتمان و جز این‌ها معطوف می‌دارد و از سوی دیگر از این جهت فرهنگی است که می‌خواهد مفهوم فرهنگ را برای شمول بر تقریباً تمام وجوه زندگی انسان استفاده کند (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۱۱۳). از آنجا که فرهنگ را در بر گیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، و عادات و هرگونه توانایی‌های دیگر که انسان به عنوان عضوی در جامعه بدست می‌آورد تعریف می‌کنند (آهنجیده: ۱۳۸۳، ۱۴۸). لذا می‌توان دین را با تعریف مجموعه‌ای از اعتقادات که به کمک منابع الهی اخلاق را به صورت عادت نهادینه می‌شود را به عنوان یک مولفه فرهنگی نام برد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱). جهانی شدن برای فرهنگ اهمیت دارد چرا که جهانی شدن مفهوم ما را از «فرهنگ» مختل می‌کند. زیرا فرهنگ از قدیم به معانی ضمنی به ایده محلیت ثابت گره خورده است. ایده «فرهنگ» به طور ضمنی معنی‌سازی را به خصوصیت و محلیت ربط می‌دهد. بنابراین مفهوم «فرهنگ» شبیه اندیشه جامعه است، که موجودیت محصور است که سرزمین فیزیکی را به خود اختصاص می‌دهد که سرزمینی سیاسی است (در شکل دولت ملی) و معنی‌سازی فردی را به این مکان اجتماعی و سیاسی محصور مقید می‌کند. پیداست که ارتباط ناشی از جهانی شدن این مفهوم‌سازی را در معرض خطر قرار می‌دهد، نه فقط از آن رو که نفوذ چند گانه در محلیت‌ها این تقید معنی به مکان را در هم می‌شکند، بلکه به این دلیل که تفکری را که فرهنگ و ثبات محل را در اصل به هم گره می‌زند را تضعیف می‌کند (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۳۴).

بررسی سوال دوم پژوهش: تاثیر ماهوی جهانی شدن در جامعه عشایری چگونه است؟

عشایر از ریشه عشره به معنی طایفه و در اصطلاح به گروه اجتماعی هم خویشاوند و پدر تبار که معیشت آن‌ها بیشتر بر پرورش شتر و گوسفند که مبتنی بر کوچ و جابه‌جایی است و به جماعتی از مردم اطلاق می‌شود که دارای سازمان اجتماعی مبتنی بر گروه‌های خویشاوندی بوده و افراد آن ضمن احساس تعلق به این سازمان عموماً جایگاه خویش را نیز در آن می‌دانند (امان‌اللهی بهداروند، ۱۳۸۳). آنچه در خصوص جامعه عشایری باید مد نظر قرار گیرد این است که به رغم تحولات و دگرگونی‌های سیاسی متوالی در جوامع و ظهور و سقوط حکومت‌های مختلف در این جوامع و به دنبال آن اتخاذ سیاست‌های گوناگون در مورد عشایر، این جامعه توانسته است تا کنون ساختار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خود را حفظ کند. سوالاتی در این زمینه وجود دارد این است که با توجه به اینکه مناطق عشایری معمولاً جمعیت تحصیل کرده کمتری دارد و امکانات محدودتری برخوردار است در

جهانی شدن چقدر نقش و سهم دارد؟ و آیا جهانی شدن که لازمه‌اش ارتباطات، توسعه یافتگی گسترده از جهات مختلف اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و مشارکت سیاسی می‌باشد با روستایی که دارای ارتباطات محدود و بعضاً شاخص‌های توسعه یافتگی همه جانبه در آن وجود ندارد و یا محدود است با جهانی شدن سنخیتی دارد؟ برای پاسخ به این سوالات باید در نظر داشته باشیم که آنچه در جهانی شدن اتفاق می‌افتد مساله منطقه‌زدایی است. در منطقه‌زدایی نقش مکان به عنوان عامل اصلی هویت‌سازی فرهنگی، در معرض تردید جدی قرار می‌گیرد و دیگر مکان‌ها عامل هویت‌ساز هر فرد نمی‌شوند بلکه مکان جای خودش را به عناصر «فضا» مثل اینترنت، فکس و سایر تکنولوژی‌ها می‌دهد. بدین معنی که رابطه فرهنگ با مکان تضعیف می‌شود و فضای مصنوعیت فرهنگ‌ها برای هویت‌سازی به هم می‌خورد (مرزوقی، ۱۳۹۵). از طرفی دیگر وقتی مردم دو فرهنگ مختلف در تماس با یکدیگر قرار می‌گیرند، ممکن است به شیوه‌های مختلف بر هم تاثیر بگذارند اگر این تماس بسیار کوتاه باشد تاثیر بر جا مانده ممکن است ناچیز باشد و چیزی جز خاطره تجربه‌ای جالب با مردمی از گونه‌ای دیگر نباشد اما اگر تماس زیاد و مکرر باشد تاثیر آن زیادتر است که احتمال دارد یک طرفه یا متقابل باشد و این خود باعث منطقه‌زدایی می‌شود و جهانی شدن ممکن می‌شود (قائم پور، ۱۳۷۸) پس می‌توان نتیجه گرفت که در عصر جهانی شدن که بی‌مکانی و لامکانی وجود دارد همه فرهنگ‌ها و مکان‌ها حتی مناطق عشایری هم با وجود استفاده از عناصر فضا و تکنولوژی‌های روز می‌توانند تحت تاثیر جهانی شدن قرار بگیرند.

بررسی سوال سوم پژوهش: وضعیت ارزش‌های دینی در عصر جهانی شدن چگونه است؟

اگر لازمه جهانی شدن واقعی اعتقاد به یک حقیقت غایی و وجود ضروری و یک نگرش توحیدی و نگاه به عالم به مثابه یک کل منسجم و مخاطب قرار دادن انسان است. قرآن سرشار از آیاتی است که موید این امر است. به هر حال قطع نظر از واقعیت و روند رو به رشد و فوق‌آموزه‌های دینی قرآن که از قابلیت‌های فراوان جهانی شدن واقعی برخوردار است ارزش‌های دینی در اسلام دارای چالش‌هایی در عصر جهانی شدن هستند (افروغ، ۱۳۸۷: ۲۳). در مورد ماهیت جهانی شدن نگرش‌ها و رویکردهایی وجود دارد. یکی جهانی شدن به عنوان پروسه و دیگری جهانی شدن به عنوان پروژه، جهانی شدن چه به عنوان پروسه و چه به عنوان پروژه دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی است. این ابعاد را از منظر فکری و نظری می‌توان در دو حوزه کلی با عنوان «بعد ایدئولوژیک و بعد «تکنولوژیک» طبقه‌بندی کرد. اسلام و تعالیم دینی با رویه تکنولوژیک جهانی شدن بیشتر می‌تواند تعامل و سازگاری داشته باشد، اما در بعد ایدئولوژیک تعارض اسلام و جهانی شدن بیشتر از درجه انطباق و سازگاری با آن می‌باشد (سجادی، ۱۳۸۳: ۲۹). منظور از تکنولوژی عبارت است از کاربرد علم و دانش فنی برای تامین اهداف زندگی یا تفسیر و تسلط بر محیط انسانی به عبارتی به کمک این وسیله اطلاعات و انرژی کنترل و منتقل می‌شود (ایرانزاده، ۱۳۸۰: ۱۲۳). بنابراین جهانی شدن تکنولوژی عبارت است از: توسعه ابزارهای جدید اطلاعاتی به منظور تبادل ایده‌ها و باورها. این تکنولوژی جدید دارای پیامدهایی مثل تجدید ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. به عقیده کاستلز این وضعیت نوعی بحران حاکمیت را برای دولت‌ها به وجود می‌آورد. دولت‌ها در شرایط جدید به جای نهادهای برخوردار از حق حاکمیت به بازیگرانی فعالی در عرصه یک بده و بستان و همکاری گسترده در درون ساخت ملی - فراملی تبدیل می‌شوند (رجایی، ۱۳۸۰: ۵۷). در این مورد اسلام سه رویکرد متفاوت دارد یکی اینکه بعد تکنولوژی را پذیرفته چرا که در این تلقی، تکنولوژی به عنوان ابزاره یا روش‌های جدید زندگی در ابعاد مختلف حیات اجتماعی، پدیده‌ای فرا دینی، فرا فرهنگی و غیر بومی است که مشروط به فرهنگ و اندیشه خاصی نمی‌گردد و یا اینکه تکنولوژی غربی را بر بستر فرهنگی غرب روییده است را پذیرا نیست و در حالت سوم قرائت میانه و معتدل دارد. که به پیامدهای ارزشی و فرهنگی تکنولوژی جدید اشاره می‌کند و این نکته را که روش‌ها و فنون از نظر

فرهنگی دارای ماهیت خنثی و بی رنگ و بوست، مورد نقد و اشکال قرار می‌دهد، براین اساس تکنولوژی پیامدهای فرهنگی و ارزشی خاصی را با خود حمل می‌کند که نظام ارزشی اسلام را به چالش می‌گیرد. دغدغه اصلی این دسته از اندیشمندان مسلمان بر این نکته متمرکز است که تکنولوژی جدید ارزش‌های اخلاقی جدیدی را با خود حمل می‌کند. با این وجود گسترش و ترویج اندیشه‌های لیبرال نقش دین را کم رنگ کرده است. لذا در عصر جهانی شدن کارل یوزف کوشل می‌گوید، عدالت جهانی و مصلح جهانی وظایفی‌اند که به تمام انسان‌ها مربوط می‌شود (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۵). در بعد ایدئولوژیک جهانی شدن بیشتر با اسلام و باورهای دینی تعارض بیشتری دارد. سیاست زندگی به مفهوم تصمیم‌گیری مربوط به زندگی است. این تصمیم‌گیری‌ها کدامند؟ و چگونه باید آن را به صورت مفاهیم در آوریم بالتبع پاسخ جهانی شدن به این پرسش و نظایر آن بر پیش‌فرض‌های ارزشی و اخلاقی و حداقل فرهنگی استوار است که احتمالاً با باورهای اسلامی و نظام ارزشی و باورهای اسلامی تعارض دارد چرا که جهانی شدن حتی در هویت شخصی افراد دگرگونی ایجاد می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸) هویت انسانی در مسلمانان بوجود آمده چرا که از یک جا از مظاهر تمدن غربی مثل سینما و اتومبیل استفاده می‌کنند. ولی ریشه‌های ایدئولوژیک آن محصول را که قصد تبلیغ دارد را نمی‌پذیرند. در جوامع اسلامی باورهای دینی و نظام ارزشی اسلام بخش مهمی از هویت مسلمانان را تشکیل می‌دهد و این هویت‌ها خواه و ناخواه در مرزهای اعتقادی و دینی تعریف می‌گردد و نوعی مرزبندی بین خود و بیگانه را مطرح می‌کند. تفاسیر و قرائت‌های مختلف از اسلام در این زمینه دارای تفاوت جدی است که بیشتر این تفاوت‌ها در زمره مرزبندی خودی و ناخودی است. الزاماً این تقسیم جهان به دو حوزه خودی و ناخودی به مفهوم تعبیر برای یک تعارض هویتی از فرایند جهانی شدن با تعارض خودی با بیگانگان نیست. بلکه ضمن اذعان بر این مرزبندی که ناشی از تعالیم‌های و باورهای دینی است بر همزیستی خودی‌ها با بیگانگان تاکید می‌کند (حمیدالله، ۱۳۷۸: ۱۳۵). نمود مذهب در جوامع عشایری را نباید نه تنها به صورت مجموعه‌ای از احکام حقوقی و آموزش‌های اخلاقی و هنجارهای عقیدتی و رفتاری رایج در مذاهب نگرست، همان‌طور که راینولد لفر در کتاب اسلام در عمل، تحقیقی در میان عشایر، بیان کرده، مردم ایلی عشایری مفاهیم دینی را تحت قیود نیروهای اجتماعی، فرهنگی و جسمانی و روان‌شناختی درک می‌کنند و می‌پذیرند و خود نیز مفاهیم مذهبی می‌سازند. عمل دین و مذهب و شیوه نگرش و نحوه تلقی و برداشتشان از دین در هر یک از جامعه ایلی متناسب با همان جامعه و همساز با فرهنگ مردم است. مفاهیم مذهبی در عشایر به آن‌ها کمک می‌کند تا با مصائب کنار بیایند (بلوکباشی، ۱۳۷۷).

بررسی سوال چهارم پژوهش: عوامل تشدیدکننده کم رنگ شدن ارزش‌های دینی در بین عشایر کدامند؟

عواملی مانند مهاجرت مصرف، مشارکت در تجارت و رسانه‌های جمعی چهار عامل اصلی در جهانی شدن جامعه ایرانی موثر هستند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸). روند اجرا و مکانیسم تاثیرگذاری هر کدام از این عوامل با توجه به بافت و زمینه اجتماعی در هر سه جامعه شهری، روستایی متفاوت است. با توجه به ساختار فرهنگی و وضعیت اقتصادی و مبانی جامعه شناختی عشایر در عصر جهانی شدن عوامل زیر می‌تواند با توصیف خاص باعث می‌شود ارزش‌های دینی مثل، امانتداری و وفای به عهد، اخلاق در خانواده، حضور در مراسم عزاداری، کمک به ایتم، مشارکت در ساخت اماکن غیر مذهبی، سطح احترام به بزرگترها، قرائت قرآن، حضور در مساجد، مطالعه کتب دینی، نذری و نیاز و قربانی، قرض‌الحسنه، فراهم آوردن زمینه ازدواج، سطح صداقت و

راست‌گویی در مقابل دروغ به دیگران، زکات و خمس دادن در آنان کم رنگ گردد. چهار آسیب زیر می‌تواند طی یک پروسه باعث آسیب رساندن به فرهنگ دینی عشایر گردد.

الف: آسیب غرب‌زدگی جوانان عشایر به خاطر استفاده از رسانه‌های ارتباطی در عصر جهانی شدن

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که از آنجایی که منطق درونی تعاملات فرهنگی فراملی در خدمت بسط ارزش‌ها مدرنیته از جمله باورهای نمادهای عرفی است. افزایش مبادلات فرهنگی باعث کم رنگ شدن دین می‌شود. بخاطر اینکه تعامل مستمر میان افراد و جوامع نیازمند ارزش‌ها و ملاک‌های عام فرا مکانی و فرا زمانی است. مضافاً از آنجایی که ارزش‌ها عقلانی مدرن با قابلیت انتزاع کامل از بسترهای محلی و سنتی، می‌تواند پایه و مبنای مشترکی را برای تعاملات جهانی فراهم آورد به تدریج جایگزین ارزش‌های خاص‌گرا مذهبی می‌شود که این ارزش‌ها وابسته به محل و در مناسبات جهانی نمی‌تواند مرجع افراد قرار بگیرد. لذا تعاملات فرهنگی به حوزه ارزش‌های دینی آسیب می‌رساند (بیر، ۱۹۹۴). جوانان عشایر به عنوان بیشترین قشر جمعیتی دارای تاثیرپذیری زیادی در تغییر سبک زندگی عشایر دارند. باز شدن پای ایشان به دانشگاه‌ها و برخورداری بیشتر از امکانات رسانه‌ای مثل ماهواره باعث تسهیل و سرعت بخشی به جهانی شدن در عشایر دارد. از نقطه نظر فرهنگ‌های غالب، جوانان خرده فرهنگ‌های اغفال‌شدگان و قربانیان تهاجم فرهنگی غرب محسوب می‌شوند یعنی کسانی که کور کورانه و مقلدانه محصولات فرهنگی وارداتی غرب را مصرف می‌کنند و دنباله‌روی مدهای غربی هستند. توسعه معنایی و مصداقی مفهوم غرب‌زدگی برای توصیف جوانان خرده فرهنگ، بیانگر طرز تلقی فرهنگ غالب بر دیگر فرهنگ‌ها است (شهبانی، ۱۳۸۲). تفکرات سکولاری غالب در عصر مجازی که به نحوی گسترده‌ای تبلیغ و ترویج و گسترش یافته و هماهنگ با رویکرد غیر دین شدن امور سیاسی و اجتماعی به ویژه در جهان غرب است (مرزوقی، ۱۳۹۵:۲۳۴). ممکن است جوان عشایری را در حفظ دین خود متزلزل کند.

ب: آسیب تجدد و مصرف‌گرایی به خاطر مهاجرت و میل به توسعه یافتگی عشایر در عصر جهانی شدن

کمبودات رفاهی، فقدان کار و رکود اقتصادی، سادگی زندگی عشایری و سختی‌های محیط فیزیکی روستاییان و عشایر از جمله فاکتورهای مهاجرت ایشان به شهر است (طاهرخانی و زارعی ابیان، ۱۳۸۵). ادامه هم‌زیستی و تعامل اجتماعی با دیگران جز با پذیرش ملاک‌هایی که مورد قبول دیگران نیز باشد امکان پذیر نیست. لذا مهاجرت باعث متکثر شدن فرهنگ و مقدمه‌ای برای جهانی شدن می‌شود (شجاعی‌زند و همکاران، ۱۳۸۹). در مقابل این تغییر فرهنگی باعث تغییر در ذائقه، سبک زندگی و کنش می‌شود (شهبانی، ۱۳۸۲) که به نوبه خود باعث نوعی تجددپذیری می‌شود. این تجدد به همراه مصرف‌گرایی که جز کوچکی از تفکرات مدرنیستی است. باعث کم‌رنگی توجه به مذهب در بین جوامع می‌کند. چرا که افکار مدرنیته به نوعی انسان را به فلسفه غیر دینی بازگشت می‌دهد (مرزوقی، ۱۳۹۵:۲۳۴). و این تاثیر که به وسیله جهانی شدن در حال تشدید است، مهاجران عشایر را مستثنی نمی‌کند. یکی از عام‌ترین ارزش‌هایی که هم خرده نظام‌های اجتماعی، و هنجارها و قواعد اجتماعی را کنترل می‌کند عقلانیت فنی و محاسبه‌گرا است. این اصول و موازین همواره در راستای عقلانیت قرار نمی‌گیرد و در نتیجه به ناچار در این جوامع، دین نگاه فرا نهادی خود را از دست می‌دهد و به تبع آن ارزش خود را به عنوان منبع و مرجع تنظیمات و ایمانی خود را از دست می‌دهد (بیر، ۱۹۹۴). از منظر دیگر وجود فقر مهاجران باعث حاشیه نشینی در شهرها می‌شود و نرخ بالای

جنایت، بزهکاری، مواد مخدر، فحشا و دسترسی کم به سازمان‌های اجتماعی مبانی اخلاقی تهدیدی از مشکلات مهاجران است (طاهر خانی وزارعی ابیانه، ۱۳۸۵) که این‌ها خود باعث آسیب رسانی به ارزش‌های دینی می‌شود.

ج: آسیب «بلوف روشنفکری» و دین‌گریزی

فقر فرهنگی و قهرمان پروری، بی‌سوادی، ساده‌انگاری، ایل‌مداری، فرار از واقعیت و مطلق‌گرایی که از ویژگی‌های اجتماعی مردم عشایر هستند. مردم شهرک‌های عشایر نشین از رسانه‌هایی مانند ماهواره به خاطر سهولت دسترسی بسیار استفاده می‌کنند. آشنایی با دیگر ادیان و گرایش به آن‌ها بخاطر متمایز جلوه دادن خود و پذیرفتن سطحی عرفان‌های التقاطی به منظور بلوف روشنفکری که خود ناشی از تاثیر بی‌سواد و کم‌اطلاعاتی از ریشه‌ها و باورهای مذهبی خود می‌باشد از آسیب‌های جدی در حوزه عشایر است. مضافاً تمایزات اجتماعی مثل زبان، مذهب، قوم و نژاد افراد را به ارزش‌های فرهنگی متفاوت افزون ساخته و پذیرش ارزش‌های عام، عمل را برای آن‌ها راحت‌تر کرده است به همین خاطر پذیرفتنی است که مردم این مناطق، منطق حاکم بر تعاملات فرهنگی و اجتماعی را آسان‌تر از دیگران بپذیرا هستند (شجاعی زند و همکاران، ۱۳۸۹).

د: ورود گردشگر

ورود گردشگر به همراه اثرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی هم بر جامعه میزبان تحمیل می‌کند. که اگر این اثرات کنترل نشوند و برای آن برنامه ریزی صورت نگیرد رفته رفته فرهنگ جامعه میزبان متأثر از فرهنگ جامعه مهمان خواهد شد. (لطفی و محمد زاده، ۱۳۸۹). بیشتر مناطق عشایری توریست پذیر هستند. بیشتر عشایر برای اجاره دادن منازل و خرید و فروش با این توریست‌ها در ارتباط مداوم و مستمر هستند. مردم به خاطر جذابیت فرهنگ توریست ایرانی و خارجی و کسب رضایت آنها سبک زندگی، مدل دکوراسیون منزل، نوع موسیقی و پوشاک و دیگر نمادهای قومی و ارزش‌های فرهنگ دینی خود را عوض می‌کند.

بررسی سوال پنجم پژوهش: راهکارهای پویای حل چالش‌های فرهنگ دینی در عشایر کدامند؟

در راستای سوال فوق باید کوشید به برخی راهکارهای که در قالب خدمات فرهنگی قابل اعمال بوده و با برخورداری از آن‌ها با پدیده جهانی شدن به همزیستی مسالمت آمیز دست یافت ارائه داد. تعداد راهبردها مقابله پویا با پدیده جهانی شدن بویژه در حفظ ارزش‌های دینی به موقعیت و سلايق و گرایش‌های فرهنگ بر می‌گردد. با توجه به چالش‌هایی که از قبل مطرح شده است هر کدام از راهبردهای زیر که در سه مولفه سطح‌بندی می‌شود برای هر یک از چالش‌ها راهگشا است

الف- ارائه خدمات فرهنگی - آموزشی

از این دسته راهکار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

- همگرا کردن فعالیت‌های نهادهای فرهنگی و تبلیغاتی در عشایر چگونگی آرایش و عملکرد سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی باعث ایجاد تعارض بین کنش‌ها و ارزش‌های جوامع شده است (طالبی، ۱۳۸۰: ۱۳۰) با یک محاسبه ساده می‌توان ده‌ها مرکز و نهاد در جامعه را مثال زد که کمترین هماهنگی هدفی - سازمانی بین آن‌ها موجود است. با توجه به وجود این ناهماهنگی‌ها (در حین تخصیص اعتبارات فراوان برای هراز نهادها) که خود محصول تکثر، تعدد و پراکندگی مراکز

تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگی است (ابوالقاسمی و سجادی، ۱۳۸۴:۱۲۸) همگرا شدن فعالیت‌های این نهادها در بین مردم عشایر باعث وحدت عمل و جلوگیری از اتلاف وقت و موازی سازی می‌شود.

- آموزش بزرگسالان با رویکرد آموزش مفاهیم دینی
- کلاس‌های آموزش خانواده با آشناسازی با آسیب‌های اجتماعی جهانی شدن
- آموزش دختران و زنان عشایری در مورد آشنایی با دستورات و اخلاق دینی
- کلاس‌های فوق برنامه، با جلسات سخنرانی پیرامون بحث احادیث و روایات و پاسخ به شبهات
- راه‌اندازی هیات‌های مذهبی با مدیریت جوانان عشایر
- واگذاری اجرای مراسم‌های مذهبی و برنامه‌های فرهنگی به خود عشایر در سطح ngo با نظارت دولت و عدم تمرکز در اجرا

ب- ارائه خدمات زیر ساختی

- ساخت حوزه علمیه در مرکز عشایر چرا که در خلال خود شناسی و خود اندیشی جوانان در این مراکز این امکان وجود دارد که مردم کشورها به ناتوانی این ارزش‌های غربی برای ایجاد جامعه آرمانی جهانی و غرب‌گرا بودن آن‌ها پی ببرند (گری ۱۹۹۷).

- ساخت مساجد برای جمعیت ساکن و نیمه ساکن عشایر اماکن مقدس باعث می‌شود مومنان در سازمانی یکپارچه گرد هم آیند و باورها و رفتار دینی آنان در قالبی نهادمند تداوم می‌بخشد و از طریق بقا و استمرار حیات اجتماعی را تضمین می‌نماید (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰) وجود این امکانات مقدس فرصتی است برای هم اندیشی عشایر جهت خودیابی

- بازسازی ساختمان اماکن متبرکه و ایجاد بستر و شرایط زیارت و گردشگری چرا که به نظر می‌رسد میان تعاملات رو در رو و مستقیم و تعاملات فرهنگی جهانی که بیشتر شبه تعاملاتی هستند که با ابزار رسانه‌ها محقق می‌شوند. بایستی تفاوت قائل شد. تجربه مستقیم ناشی از تعاملات رو در رو عمدتاً بی چون و چرا که «خود» در طول زمان و رهگذر این نوع تجربه محقق می‌شوند. اما تجربه با واسطه که از طریق ارتباط شکننده با زندگی افراد دارد (شجاعی‌زند و همکاران، ۱۳۸۹)

- ساخت کتابخانه در بین روستاهای مسکونی جمعیت ساکن عشایر

ج: به کارگیری نظریه تعلیم و تربیت دینی فضا‌مند جهانی و مولفه‌های آن در ساختار آموزش و پرورش عشایر

در نظریه تعلیم و تربیت فضا‌مند جهانی توجه به مولفه‌های آگاهی و تبیین و عقلانیت در عرصه تربیت و تدین، به معنای آن است که موجودیت و دوام تربیت دینی در عصر بی مرزی و گستردگی نا متعین اطلاعات و هم زیستی فرهنگ‌ها، مستلزم رویکردی منطقی و آگاهانه است. به علاوه، عبودیت و تدین تنها در پذیرش صرفاً تعبدی یا تقلیدی دین خلاصه نمی‌شود. بلکه مستلزم فهم و آگاهی و عقلانیت است بدیهی است در برخورد با هر نوع دگرگونی و تحول نباید دچار افراط و تفریط گردید بلکه باید نخست تلقی از حیات دینی و تحولات در دستور کار تربیت دینی قرار داد تا با شناخت مطلوب از شرایط خود و دیگران، افراد را مواجهه منطقی، بهره‌برداری از فرصت‌ها و امکانات از مخاطرات آن آماده کرد.

نظریه تربیت دینی فضا‌مند جهانی می‌تواند راهگشایی برای حفظ ارزش‌ها و گسترش آنها در عرصه جهانی شدن باشد. اجمالاً تربیت در مفهوم اصیل خود باید مبتنی بر آزادی (فقدان تحمیل، اجبار)، آگاهی (کسب شناخت‌های لازم و تحصیل قابلیت تفکر

منطقی)، پذیرش و درونی شدن (ارزش‌ها و نگرش‌ها)، معیار (شناخت مرزها و مرزبندی‌ها و رعایت آنها)، انعطاف، تعامل و تساهل (سعه صدر، توانایی و روحیه تعامل و پذیرش منطقی) نقادی و ارزیابی مستمر خود و دیگران (استمرار در حرکت با استفاده از توانمندی‌های خود و دیگران) باشد (مرزوقی، ۱۳۹۵:۱۳۴). استفاده از این نظریه می‌تواند عشایر را با تحولات عصر جدید همسو و هماهنگ کند. تالاوله بر داشتن تدین از توانمندی‌ها و فرصت‌های موجود در برابر تهدیدهای و آسیب‌های احتمالی در دنیای نامتعین اجتناب کنند. آماده کردن عشایر برای کسب اطلاعات و تبادل نظر در مورد ریشه‌های تاریخی مربوط به آداب و رسوم، سنت‌ها و آداب دینی و ارزش‌ها و غیر ارزش‌ها و نیز آگاه کردن آنان از اجزا متشکله دیگر فرهنگ‌ها و ادیان و وجوه تمایز و اشتراک به قصد مقایسه و داوری در مجموع زمینه‌های لازم برای آشنایی با دیگر فرهنگ‌ها، و یا حمایت و تقویت اجزا مطلوب فرهنگی خویش را در آن‌ها به وجود می‌آورد. نظریه پردازان همواره بر این اعتقاد دارند که تکنولوژی جدید به طور فزاینده‌ای بر عشایر و دانش آنان برتری دارد و هدایت کارهای پژوهشی و تلاش یاری رسانی برنامه‌ریزان اغلب به گونه‌ای است که گویی عشایر چیزی نمی‌دانند. در صورتی که دانش عشایر با علم جدید از نظر قدرت و ضعف، مکمل یکدیگرند (حسینی و همکاران، ۱۳۷۸). ولی نظریه، تعلیم و تربیت فضا‌مند جهانی با در نظر گرفتن تکنولوژی و قدرت رسانه تمام ظرفیت‌های علمی و بومی عشایر را برای متعادل سازی در آموزش دینی در نظر می‌گیرد- این فرایند حرکتی است از رویکرد ملی و محلی به رویکرد بومی و جهانی است- فضا‌مند شدن تربیت مستلزم برقراری رابطه بین امور عام و خاص فرهنگی است. به گونه‌ای که در تربیت حتی اگر جنبه محلی و بومی داشته باشد. باز هم صدای فرهنگ‌های دیگر در آن شنیده می‌شود (مرزوقی، ۱۳۹۵:۲۲۰). این نظریه برای حل مشکل آسیب‌های اجتماعی از طریق ساختار آموزش و و پرورش به برنامه‌های تعلیمات فرهنگی، دینی، آموزش استفاده از ابزار ارتباطات و تکنولوژی ب ۹ مولفه و استلزام انبساط حریم، عقلانیت، تعامل و گزینش، سعه صدر، پویایی و استمرار حضور، ارزیابی و تحلیل، خود کنترلی و معیار مداری می‌تواند جلوی آسیب‌های وارده به سنت‌ها و فرهنگ بالاخص ارزش‌های دینی را بگیرد.

نتیجه گیری

اکنون آدمی به عصر جدیدی گام نهاده است که عصر جهانی شدن نام دارد عصری که همراه با دگرگونی‌های اساسی در بنیادهای کنش و سازمان اجتماعی افراد و گروه‌ها همراه است. جهانی شدن انقلابی است که بواسطه سرعت، شدت و گسترش حیرت‌آور تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات آرامش و هویت پیشین انسان‌ها و جوامع را در معرض تهدید و تغییر قرار داده است (مرزوقی، ۱۳۹۵:۱۲۱). مناطق دور افتاده عشایری به گونه فزاینده‌ای بخشی از این دگرگونی محسوب می‌شود. همزمان با بیرون آمدن روز افزون عشایر از انزوا، صنعتی شدن و حرکت مردم به مناطق شهری دارای امکانات اقتصادی بیشتر در کشورهای در حال توسعه، شکاف بین فرهنگ‌ها را کم می‌کند عمده‌ترین این تغییرات بعد معنوی و ارزشی و به تبع آن به چالش کشیدن ارزش‌های دینی و معنوی است (دانشگر و همکاران، ۱۳۸۳). جهانی شدن از یک طرف امکانات و وسایل جدید برای آموزش، انتقال و تبلیغ آموزه‌های دینی که بین ادیان مشترک است فراهم کرده و امکان گفتگو ادیان را در جهت تفاهم بین ملت‌ها و رسیدن به یک سری ارزش‌های مشترک را بوجود آورده و از طرف دیگر زمینه تکثرگرایی، نسبی‌گرایی و شخصی‌سازی ارزش‌ها را فراهم می‌کند (توانا، ۱۳۸۴). جهانی شدن به کمک وسایل ارتباطی همچون ماهواره و اینترنت و غیره تأثیر زیادی در جوامع بویژه عشایر بوجود آورده است. داشتن ویژگی سنتی از جمله تفاوت این جامعه با جامعه شهری است. حال با توجه به ماهیت سنتی بودن جوامع عشایری و از طرف دیگر سنت‌شکنی «جهانی شدن» بیشترین آسیب به حوزه فرهنگ دینی است. علاوه بر دلایل تبیین کم رنگ شدن دین مثل تبادلات فرهنگی و میل به توسعه یافتگی که در همه جوامع باعث آسیب رسانی به حفظ ارزش‌های دینی می‌شود. عوامل تشدید کننده دیگری در جامعه عشایری تأثیر این آسیب‌ها را علی‌رغم سنت دوستی و یکپارچگی عشایر را دو چندان

می‌کند. از این عوامل می‌توان میل به پیشرفت، تجدد و شهرنشینی، مصرف‌گرایی، فقر، ورود گردشگر و مهاجرت نام برد. بوسیله کمک‌گیری از علایق و ویژگی‌های فرهنگی و همچنین رفع نقاط ضعف و کمبودات محیط عشایری شناخت این آسیب‌ها کمکی به حفظ سنت و ارزش‌های فرهنگی در بین عشایر می‌کند. به طور مسلم، مسائلی مانند تعامل فرهنگ‌ها، گسترش حیرت‌آور فناوری اطلاعات و ارتباطات و بسط فرایند جهانی شدن، بر روی ماهیت نهادهای تعلیم و تربیت تاثیر جدی گذاشته است. مهم‌ترین وجه چالش برانگیز قرن حاضر برای تربیت دینی تحول در ساختارهای پیشینی است که تاکنون تربیت دینی خود را بر آن‌ها سامان می‌داده است. ساختارهایی که به علت "فشردگی زمان و مکان" به ویژه به دلیل ظهور امکانات و تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی به نحو اساسی دگرگون می‌شود (مرزوقی، ۱۳۹۵).

فهرست منابع

- ۱) ابوالقاسمی، محمدجواد، سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۴). پژوهشی در چالشهای توسعه فرهنگ دینی. چاپ اول، تهران: انتشارات عرش پژوه.
- ۲) افروغ، عماد. (۱۳۸۷). اسلام و جهانی شدن. چاپ دوم، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- ۳) امان‌اللهی بهداروند، اسکندر. (۱۳۸۳). «کوچ نشینی در ایران: یک‌جانشینی ایلات و عشایری»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۵ شماره ۱ (۱۷)، صص ۱۸۰-۱۵۵.
- ۴) ایران‌زاده، سلیمان. (۱۳۸۰). جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان. چاپ دوم، تهران: انتشارات آموزش مدیریت دولتی،
- ۵) آفازاده، محرم، خسروی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). «تحلیلی بر آموزش کوچنده در کشورهای جهان»، دفتر آموزش و پرورش عشایر کشور با همکاری اداره آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد، صص ۳۵۰-۳۳۵
- ۶) آهنجیده، اسفندیار. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی عمومی. چاپ اول، شهرکرد: انتشارات آهنجیده،
- ۷) بایوردی، اسماعیل، کریمیان، علیرضا. (۱۳۹۳). «جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر فرهنگ ایران». مجله پژوهش نامه روابط بین الملل ایران. دوره هشتم، شماره ۳ (۱۳).
- ۸) بلوکباشی، علی. (۱۳۷۷). اسلام در عمل (عقاید دینی در یک روستای ایران) در نقد و نظر (معرفی و نقد آثاری در ادبیات مردم شناسی)، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۹) بلوکباشی، علی. (۱۳۸۲). جامعه‌ایلی در ایران. ، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی
- ۱۰) تاملینسون، جان. (۱۳۸۱). ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۱۱) توانا، معصومه. (۱۳۸۴). نسبت جهانی شدن و تربیت دینی (فرصتها و تهدیدها)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ۱۲) حمیدالله، محمد. (۱۳۷۸). سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۱۳) خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر تحلیل دین‌شناسی شریعتی، بازرگان و فروش، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۱۴) دانشگر، سعید، جعفری، سید ابراهیم، ولیاقت‌دار، محمدجواد. (۱۳۸۳). «آسیب‌شناسی تربیت دینی و زمینه‌های آموزشی آن»، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی. دوره هفتم، شماره سوم، صص ۵۳-۳۲.
- ۱۵) رابرتسون، رونالد. (۱۳۸۵). جهانی شدن تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثابت، تهران.
- ۱۶) رابرتسون، رونالد. (۱۳۸۰). جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه کمال پولادی، چاپ اول، تهران: نشر ثالث با همکاری مرکز گفتگوی تمدن‌ها.
- ۱۷) رجایی، فرهنگ. (۱۳۸۰). پدیده جهانی شدن. ترجمه عبدالحسین زرین کوب، تهران: نشر آگاه.
- ۱۸) سجادی، سیدعبدالقیوم. (۱۳۸۳). درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام.
- ۱۹) شجاعی‌زند، علی رضا. (۱۳۸۰). دین، جامعه و عرفی شدن جستارهایی در جامعه‌شناسی دین. چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ۲۰) شجاعی‌زند، علیرضا، طالبان، محمدرضا، صنعتی شرقی، نادر. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه جهانی شدن فرهنگی و عرفی فردی با تاکید بر نقش عوامل زمینه‌ای»، مجله مسایل اجتماعی ایران، سال اول، شماره یک، صص ۱۶۰-۱۳۳.
- ۲۱) شهبانی، محمود. (۱۳۸۲). «جهانی شدن جوانی، خرده فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی شدن»، مجله مطالعات جوانان. دوره سوم، شماره پنجم، صص ۲۰-۱.
- ۲۲) طالبی، ابوتراب. (۱۳۸۰). «بررسی تعارض بین ارزشهای مذهبی و کنش اجتماعی در بین جوانان، جامعه و فرهنگ»، مجموعه مقالات، محسن فرد رو-سهراب حمیدی، رضا یعقوبی، تهران: چاپ دوم، انتشارات آرون صص ۳۷۰-۱.
- ۲۳) طاهرخانی، مهدی، رارعی ابیانه، محمد حسین. (۱۳۸۵). «مطالعه علت‌های موثر بر مهاجرت روستاییان با تاکید بر مهاجرت روستای ابیانه»، مجله جغرافیا، دوره بیستم شماره سوم، صص ۴۰-۲۰.

- ۲۴) عباسی سروک، لطف‌الله. (۱۳۸۷). «مطالعات کمی و کیفی آموزش و پرورش عشایر ایران». دفتر آموزش و پرورش عشایر کشور با همکاری اداره آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد
- ۲۵) عزتی، سعیدالله. (۱۳۸۷). «آموزش و پرورش عشایر و جهانی شدن»، دفتر آموزش و پرورش عشایر کشور با همکاری اداره آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد: صص ۲۳۴-۲۴۵.
- ۲۶) عزیزاده گل سفیدی، مصطفی. (۱۳۷۸). «سابقه تشیع در میان بختیاری ها»، فصلنامه فرهنگی، هنری، اجتماعی فرهنگ بام ایران، شماره سوم و چهارم، صص ۱۱۱-۱۲۶.
- ۲۷) عنبری، موسی. (۱۳۸۷). «فرهنگ دینی (فرهنگ ارزشی و مذهبی)»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۹.
- ۲۸) قائم پور، محمد علی. (۱۳۸۷). «جهانی شدن روستا و عشایر»، دفتر آموزش و پرورش عشایر کشور با همکاری اداره آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد، صص ۳۲۵-۳۴۵.
- ۲۹) کریمی، ثریا، همزه ای، محمدرضا، رستمی، فرحناز. (۱۳۹۸). «روند جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر معماری روستایی (مورد مطالعه: روستایگل تپه، استان کردستان، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲(۵۰)، شماره ۴.
- ۳۰) گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخص. ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران: نشر نی، تهران.
- ۳۱) لطفی، حیدر، محمد زاده، آزاده. «فرایند جهانی شدن و بررسی این پدیده در کشورهای اسلامی»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیادانان جهان اسلام. ایران، زاهدان.
- ۳۲) مرزوقی، رحمت الله. (۱۳۹۵). مبانی و اصول تعلیم و تربیت با نگاهی به تحولات دوران معاصر. چاپ اول، تهران: اوای نور، چاپ اول،
- ۳۳) مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۱). پرسش ها و پاسخ ها، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- 34) Beyer, P. (1998). Globalizing systems, global cultural models and religion (s). *International sociology*, 13(1), 79-94.
- 35) Gray, J. (1998). Endgames: Questions in late modern political thought.
- 36) Wuthnow, R., & Offutt, S. (2008). Transnational religious connections. *Sociology of Religion*, 69(2), 209-232.

Pathology of religious culture of nomads in the era of globalization and solutions for dynamic interaction with it

Yaqub Rahimi Pardanjani

student curreculum shiraz university

Abstract

The current study aims to identify the damage of religious culture of nomads in the age of globalization. Then it introduces dynamic interaction solutions with it. The dominant approach in this qualitative research is the type of documentary analysis and the method of data collection is the descriptive research method; Because it seeks to describe the phenomenon of globalization and to understand the existing conditions, and on the other hand, it seeks to extract concepts and discover the main lines of thought of experts in the field of providing solutions to deal with globalization in the field of religious culture among nomads. The main findings of the research are that globalization is not understood as the meaning of the global neighborhood of an increasing place, which is called "destruction of place by time". Globalization, both as a process and as a project, has political, cultural, economic and social dimensions. From an intellectual and theoretical point of view, these dimensions can be classified into two general areas under the title of "ideological dimension" and "technological" dimension. Islam and religious teachings can have more interaction and compatibility with the technological procedure of globalization, but in the ideological dimension, the conflict between Islam and globalization is more than the degree of adaptation and compatibility with it. The field of religious culture is challenged in the age of globalization; Among the aggravating and damaging factors to the religious values of the nomads, we can mention immigration, poverty, modernism and the damage of intellectualism and westernization in the youth and the arrival of tourists to the nomadic areas. At the end, three central proposals, providing cultural and educational services, developing infrastructures and presenting the nine requirements of the theory of global space education in education were introduced as dynamic solutions to the problem.

Keywords: nomads, globalization, pathology, religious values, culture.